

مسئله حکمرانی اجتماعی (با تأکید بر نقش تشکل‌های اجتماعی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۴

تاریخ تألیف: ۱۴۰۲/۹/۸

حسین بابایی مجرد*

چکیده

حکمرانی با تکیه تام بر مکانیسم بازار و مداخله‌های دولت، با هدف شکست ارزش عمومی دچار تنگناهایی شده است. مشارکت مستمر و مؤثر عموم مردم، عامل تعقیب ارزش‌های عمومی و توسعه‌دهنده ظرفیت حکمرانی بوده، اما فاقد ساز کار مناسب است. تشکل‌های اجتماعی در عین حال که می‌توانند ابزاری مناسب در جهت تقویت مشارکت عمومی باشد، اما با آسیب‌هایی چون «ماهیت غیر شفاف»، «چندتولی‌گری»، «عدم وضوح حقوق و تکالیف» و «فقدان ساز کار نظارت» روبه‌روست. پرسش اصلی پژوهش، علل آسیب‌مندی تشکل‌های اجتماعی در امر حکمرانی است و هدف این پژوهش کشف آموزه‌های قرآنی مرحله اول دعوت پیامبر ﷺ برای رفع آسیب‌های فوق است. رویکرد پژوهش، توصیفی-تحلیلی و روش آن به جهت توصیف وضع مسئله‌مند تشکل‌های اجتماعی در ایران امروز، «مروری» و به جهت تحلیل مسائل و افق‌گشایی برای حل آنها مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، «تفسیر موضوعی تزیلی» است. مبتنی بر روش تفسیر تزیلی، مفاهیم آیات هدف قرآن در مرحله اول دعوت بررسی شده و در چهار مقوله فاعل تحول (جهت توضیح مشخصات متولی تشکل‌ها)، زمینه‌سازی برای تحول (جهت تبیین حقوق و تکالیف تشکل‌ها)، نهادسازی برای تحول (در راستای ایضاح سازکار نظارت بر تشکل‌ها) و محتواسازی برای تحول (در تعقیب پردازش ماهیت تشکل‌ها) صورت‌بندی شده‌اند. نتیجه آنکه نگارنده مبتنی بر آموزه‌های قرآنی دریافت که ابعاد تشکل‌های اجتماعی در مرتبه ماهیت، «قیام به عهد الهی»، در ساحت متولی، «تثبیت رهبر اجتماعی»، در سطح نظارت، «تذکر و تدبیر جمعی»، در مستوای تکلیف، «زمینه‌سازی تفکر و تذکر» و در ساحت حقوق، «هدایت و رحمت» می‌باشد.

واژگان کلیدی: امر عمومی، ظرفیت حکمرانی، حکمرانی اجتماعی، تشکل‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تفسیر تزیلی.

* استادیار گروه مدیریت اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (h.babae64@gmail.com).

بیان مسئله

تنش دامنه‌داری در طول چهار دهه قبل به وجود آمده است که بر حدود و میزان مداخله دولت در حیطه اقتصادی توجه دارد تا از قبل آن بالاترین میزان ارتقای کارایی و عملکرد اقتصادی حاصل شود. در این تنش تأکید بر شکست بازار* با هدف نفی صلاحیت تام مکانسیم بازار جهت تحقق کارایی در حیطه اقتصاد انجام می‌شود؛ همچنان‌که تئوری انتخاب عمومی و تمرکز عینی و آماری بر شکست‌های دولت،** به دنبال ابطال نظری و عملی امکان دولت جهت بهبود کارایی بود. بوخانان دو چالش فوق را با احیا و پاسداری الگویی از سازمان‌دهی جامعه مبتنی بر تعاملات داوطلبانه میان افراد آزاد قابل حل می‌داند. این سازمان‌دهی جدید نه با کاهش (تعدیل ساختاری) یا افزایش (بار برنامه و مقررات) میزان مداخله دولت که با تغییر کیفیت حکمرانی (مداخله) از طریق تحول نهادی با هدف اصلاح محیط نهادی انجام می‌پذیرد؛ نهادهایی که به تعبیر عجم‌اغلو ضمن برخورداری از توان لازم برای ایجاد ثبات و امنیت و رفع موانع اقتصادی، خاصیت فراگیری نیز دارند؛ یعنی بستر فعالیت خلاقانه را برای همه طیف‌های اجتماعی بدون تبعیض و محدودیت - به عنوان یک ارزش اجتماعی - فراهم می‌کنند (کاظمی، ۱۳۹۴)؛ لذا در عین حال که منازعات تاریخی شکست بازار و شکست دولت بر محور کارایی اقتصادی استوار بوده است، امروزه با مطالعاتی مواجه هستیم که بر شکست ارزش عمومی توجه دارد (ر.ک: Bozeman). ارزش در حوزه عمومی را به مثابه چیزی توصیف می‌کنند که نمی‌توان در معاملات بازار و حق امتیاز خلاصه کرد؛ چیزی که برای انسان‌ها، نهادها و جوامع ارزشمند است. این ارزش در حیات اجتماعی از رهگذر پیامدهای کنش متقابل و رابطه اجتماعی حاصل می‌شود. هارتلی و همکاران (۲۰۱۷) مفهوم ارزش عمومی را به مشارکت در حوزه عمومی تعریف کرده، بورگسن و بوزمن (۲۰۰۷) با توجه به هفت نوع مشارکت، ۷۲ گونه ارزش عمومی برشمردند (واکری و یوهانسون، ۲۰۲۱، ص ۲۸-۳۱). شکست ارزش‌های عمومی زمانی اتفاق می‌افتد که ارزش‌های اساسی جامعه در روابط اجتماعی، بازار یا

۱۵۰

* شکست بازار را به ناتوانی اقتصاد بازار در کسب نتایج مناسب در تخصیص منابع تعریف کرده‌اند (دانایی‌فرد و جوانعلی آذر، ۱۳۹۳).

** شکست دولت - اعم از شکست‌های اداری، دموکراتیک، عرضه و تقاضای عمومی و شیوه‌های مداخله دولت در بازار - نیز در زمانی است که ماهیت دولت به طور نظام‌مند مانع درک و برآوردن درست و کافی نیازهای شهروندان شود (همان).

خط‌مشی‌های عمومی متجلی نباشد (دانایی‌فرد و جوانعلی‌آذر، ۱۳۹۳). حال برای مقابله با شکست ارزش عمومی باید نهادهایی ساخت تا به دنبال تمهید شرایط هم‌آفرینی جمعی و از آن رهگذر خلق و تحقق ارزش‌های مردم‌سالاری باشند (سالارزهی، ۱۳۹۹). یکی از نهادهای قوی که از هم‌آفرینی جمعی حمایت می‌کند، تشکل‌های اجتماعی است. تشکل‌های اجتماعی که نسبت به دولت، چابک‌تر و نسبت به بخش خصوصی اجتماعی‌تر و انسانی‌تر است، به مثابه قواعد بازی، کنش‌های خلاقانه و مولد انسانی را تسهیل می‌کند (غفاری و همکاران، ۱۴۰۰). مسئله این پژوهش آن است که نهادی که کارکرد اصلی آن آگاهی، بسیج عمومی، تقویت مشارکت سیاسی، صیانت از مردم در برابر قدرت‌های سیاسی و اقتصادی و فسادهای احتمالی ایشان و در یک کلام حلقه واسط میان مردم و حاکمیت (شیخی و عزت‌آبادی، ۱۴۰۰) در تعقیب ارزش‌های عمومی است، باید از هر گونه تصرف و تسخیر (Capture) توسط دو بخش دیگر یعنی دولت و بازار مصون بماند تا بتواند نقش واسطه‌ای (Intermediatory) و میانی خود را جهت بهبود ظرفیت حکمرانی ایفا نماید. اکنون باید پرسید چرا تشکل‌های اجتماعی آن‌چنان‌که شایسته است مداخله در امر عمومی ندارند و معمولاً در حاشیه دولت یا بازار واقع می‌شوند؟

در پاسخ به این پرسش پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است، هرچند هیچ کدام متأثر از فرایند تحول اجتماعی عصر نزول قرآن و روش تفسیر تنزیلی نبوده و به همین جهت پژوهش حاضر، برخوردار از جنبه‌های نوآورانه و ابداعی است. محدودیت‌های ساختارهای اقتصادی-اجتماعی دولتی در جهت برنامه‌ریزی و تعقیب برنامه توسعه، کشور را نیازمند تشریک مساعی و مشارکت اقشار گوناگون جهت بهسازی زندگی جمعی می‌کند (رستم‌نژاد، ۱۳۸۲). پژوهش‌هایی (نادری و همکاران، ۱۳۹۸) رابطه میان کارکردهای تشکل‌های مردم‌نهاد و مؤلفه‌های نوین توسعه پایدار را مثبت ارزیابی کرده‌اند؛ اما باید توجه داشت واسپاری امر حکمرانی به تشکل‌های اجتماعی، هم نیازمند نهادهای حقوقی است (امین، ۱۳۷۶) و هم ابزار. نهادهای حقوقی ضامن استقلال نسبی حوزه اجتماعی از دولت، دسترسی تقریباً مستقل به دولت یا برگزیدگان حاکم، وجود یک فضای عمومی نسبتاً مستقل و نهایتاً حمایت قانونی از جامعه مدنی است (مردانی، ۱۳۸۴). اما در مورد ابزارها برخی (سعیدی، ۱۳۸۲) معتقدند شکل سنتی تشکل‌های اجتماعی فاقد کارکرد است و باید به قالب‌های مدرنی چون سازمان‌های غیر دولتی (NGO) تحویل شود؛ هرچند در مقابل، برخی دیگر (فیوضات و مهدوی، ۱۳۸۶) همچنان بر اثربخشی

قالب‌های سنتی تشکل‌های اجتماعی کشور - مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه - تأکید داشته و علت شکست برخی نهادهای سنتی مثل تعاونی‌ها را مداخله - نه نظارت و ارشاد - دولت دانسته‌اند. به هر تقدیر عدم شکل‌گیری نهادهای مبتنی بر اراده عمومی و مستقل از دولت، عامل عدم بهره‌مندی از حقوق شهروندی و تأخیر در فرایند شکل‌گیری دولت - ملت بوده، هر گونه قانون‌مداری، بیداری و آگاهی اجتماعی را تضعیف و اراده بازیگران اصلی قدرت را بر عموم مسلط می‌کند (غفوری، ۱۳۸۶).

اما تحقق این مشارکت با موانعی روبه‌روست؛ موانعی چون فقدان زیرساخت‌ها و ساز کارهای مشارکت (عباسی، ۱۳۷۷)، عدم اعتماد اجتماعی به تشکل‌ها (محمدی و نوابخش، ۱۳۹۲/ گنج‌لو و سعیدی مفرد، ۱۳۹۸)، فقدان کارایی، حکمرانی ضعیف، ارتباطات و شبکه‌سازی ناکارآمد، فقدان بودجه کافی و حمایت مالی دولتی و حضور در جوامع نامتعادل و مستعد دخالت سیاسیون (زین‌العابدین و همکاران، ۲۰۲۲)، نخوت بوروکراسی، تعارض منافع بوروکرات‌ها، انقباض سیاسی، پیچیدگی عملیات دولت، عدم یکپارچگی در حکمرانی، روزمرگی بوروکراتیک و آنتروپی اداری (مقیمی و همکاران، ۱۴۰۰). در نهایت پژوهش دیگری (شیخی و عزت‌آبادی، ۱۴۰۰) که تقریباً جامع محدودیت‌ها و موانعی است که تشکل‌های اجتماعی با آن مواجه‌اند، از شش آسیب مشخص نام می‌برد: ۱. ماهیت و تعریف مبهم تشکل‌های اجتماعی؛ ۲. ابهام در دامنه شمول تشکل‌های اجتماعی؛ ۳. چندتولگی‌گری و چندصدایی در حکمرانی تشکل‌ها؛ ۴. ضعف نظارت بر تشکل‌های اجتماعی؛ ۵. ابهام در حقوق و تکالیف تشکل‌ها؛ ۶. شیوه تأمین مالی تشکل‌ها.

این پژوهش نیز با تکیه بر آسیب‌های اساسی پیش‌گفته به پرسش اصلی (علل ضعف تشکل‌های اجتماعی در امر حکمرانی) و پرسش‌های فرعی (نقش هویت، رهبری، نظارت و حقوق و تکالیف در تقویت تشکل‌های اجتماعی) خود پاسخ خواهد داد. رویکرد پژوهش حاضر در فرایند کشف مسائل تشکل‌های اجتماعی، رویکرد توصیفی (Descriptive)، روش پژوهش، مروری و نوع آن مرور روایتی (Narrative Review) است. در این روش، مطالعه ادبیات موضوع با هدف استخراج دانش قبلی نسبت به موضوع پژوهش انجام می‌شود. البته شمولیت (Inclusion) مطالعه ادبیات مرتبط در این روش پژوهش، شرط مهمی است (ایکسایو و واتسون، ۲۰۱۷)؛ از این رو محقق تا آنجا که ممکن بود، با مراجعه به بانک‌های اطلاعات داخل کشور به بررسی ادبیات مرتبط به موضوع پژوهش پرداخته است، هر چند مدعای جامعیت ندارد. استخراج ادبیات در این روش

پژوهش، غیر رسمی و غیر نظام‌مند است؛ هرچند در نهایت ادبیات به صورت منسجم در کنار یکدیگر باید قرار گیرد (جوادی و امامی، ۱۴۰۰).

در این پژوهش آسیب‌های اساسی تشکلهای اجتماعی بر اساس بررسی پیشینه پژوهش شناسایی شده و مبتنی بر روش تفسیر تنزیلی تحلیل و ارزیابی شده است. روش تفسیر تنزیلی به مواجهه و استنتاج آیات قرآن مجید مبتنی بر روند تنزیل اهتمام دارد. علت تمسک به منطق تفسیر تنزیلی در این پژوهش، ظرفیتی است که برای مداخله در امر عمومی ایجاد می‌کند؛ آن‌چنان‌که بر اساس مبانی این روش، دستاوردهای مداخله‌ای شخص پیامبر اعظم به عنوان معمار تغییر و تحول اجتماعی را که در جامعه عصر ایشان به کار بسته شد، مگر در مواردی که خلافت اثبات شود، می‌توان در عصر حاضر و موقعیت‌های مسئله‌مند حاضر منطبق و جاری دانست (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۷۶). این تحول اجتماعی مطابق آیه ۲۹ سوره فتح بر چهار مرحله استوار است: ۱. رشد صورت جوانه؛ ۲. رشد به صورت نهال نوپا؛ ۳. مرحله تنومندی و قوام‌یافتگی؛ ۴. مرحله استقلال و ایستادن بر پایه‌های خود (بهجت‌پور و چهری، ۱۳۹۵). به نظر می‌رسد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چهار مقام دعوت خویش به فراخور شرایط آن مقام از این راهبرد در تحول نفوس و مثلاً تحولات اجتماعی بهره برد. حتی در مرحله اول دعوت که دعوت عموم به‌تنهایی توسط ایشان با مقاومت گروه کثیر کفار و پذیرش گروه اندک مسلمانان همراه بود نیز به صورت رقیق آن چهار مرحله رشد طی شد.

در پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به پرسش اصلی پژوهش، سیر تنزیل آیات هدف مرحله اول دعوت را که بر اساس ادات غایت و علت به صورت مطابقی (صریح) یا تضمینی (ظهور) از اهداف تحولی قرآن ذکری به میان آورده‌اند، مطالعه و دلالت‌های حکمرانانه آنها را توضیح خواهیم داد. بی‌شک مرحله اول دعوت قبل از تشکیل حکومت اسلامی است؛ لذا مشارکت‌خواهی از عموم برای مداخله در امر عمومی به معنای حکمرانی مصطلح قابل صورت‌بندی است. اگرچه دعوت در این مرحله توسط شخص پیامبر صلی الله علیه و آله به‌تنهایی باید انجام پذیرد، با مطالعه محتوای آیات مرتبط به این مرحله درمی‌یابیم غیر از تقویت فاعل تحول یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله، به تمهید بسترها، تمکین ساختارها و ارائه محتواها برای تحول عموم توجه دارد که این زمینه‌سازی‌ها نیز سخت‌نیازمند مشارکت تشکلهای و گروه‌های اجتماعی است.

۱. تشکل‌های اجتماعی؛ تبیین مفهومی، قانونی و تجربی

در فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت (Participation) به معنای «عمل یا واقعیت شرکت‌کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» است که بر این مبنا مشارکت می‌تواند متعدی یا لازم، اخلاقی یا ضد اخلاقی، اجباری یا اختیاری، اغفال‌آمیز و کنترل‌شده یا خودجوش باشد. در مواردی رابطه مشارکت با همکاری را تساوی دانستند؛ اما به نظر می‌رسد مشارکت اخص از همکاری و نوعی خودیاری یعنی سهم‌داشتن از منافع و بهره‌برداری‌های مشترک است که طبیعتاً با دگریاری و همیاری - با هدف یاری دیگران ولی برگشت منافع به خود فرد - تفاوت دارد (فرهادی و باقری، ۱۳۹۵، ص ۱۷۳-۱۷۵)؛ همچنان‌که در آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اسراء: ۷) در توضیح همیاری می‌فرماید نتیجه عمل (احسان و اسائه) هر فردی مختص به اوست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۳). یا نتیجه عمل اتفاق را که نوعی خروج مال از مالکیت فرد است نیز تثبیت نفس خود انسان می‌داند: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَشِيئاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ...» (بقره: ۲۶۵). حال وقتی حضور فعال تشکل‌های اجتماعی را در فرایند حکمرانی شاهد باشیم، نوعی مدل نوین حکمرانی تحت عنوان حکمرانی اجتماعی زاییده می‌شود؛ قید اجتماعی برای امر حکمرانی ممکن است به معانی مختلف اراده شود (قیدرلو و جانقربان، [بی‌تا])؛ اما در این پژوهش، امر اجتماعی در قبال امر سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ به این معنا که به جای بسط ید عناصر قدرت سیاسی، مسئله‌شناسی و مسئله‌مندسازی از زاویه دید مردم بوده و مدیریت و نظارت بر امور بلکه قضاوت نیز توسط مردم انجام می‌پذیرد. البته حضور مردم در امر حکمرانی در همه سطوح نیازمند ابزارها و فرایندهای شبه‌قانونی چون دموکراسی مشورتی، دموکراسی الکترونیکی، گفت‌وگوهای عمومی و...، فرایندهای شبه‌قضایی چون میانجی‌گری، تسهیل، ارزیابی بی‌طرف اولیه، داوری و... است (بلوگرن آسمر، ۲۰۰۵). برخی اندیشمندان این مداخله عموم در امر حکمرانی را در قالب نهادهای قدرتمند (ساخت‌های اجتماعی محدودکننده انتخاب و رفتار فردی و گروهی) و شبکه‌های متعدد (برقراری پیوندهای رسمی و غیر رسمی میان ذی‌نفعان و عموم) صورت‌بندی می‌کنند (همان).

در ادبیات دینی نیز به امر مشارکت اجتماعی در قالب ساخت نهادهایی چون تعاون، شور و مشورت، وحدت و اتفاق نظر و... پرداخته شده است (فرهادی و باقری، ۱۳۹۵، ص ۱۶۹)؛ هرچند به انجام فرایضی چون جهاد، «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (مائده: ۵۴)، امر و به معروف و نهی از منکر،

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴) و... نیز به صورت جمعی و مشارکتی توصیه شده است. فرهادی به بررسی مشارکت در آثار اندیشمندانی چون ابونصر فارابی در کتاب *السیاسة المدینه*، ابن خلدون در کتاب *مقدمه خود*، امام محمد غزالی و زکریای قزوینی و... پرداخته است (فرهادی و باقری، ۱۳۹۵، ص ۱۶۹).

قوانین جهانی چون *مقدمه پیش طرح سومین میثاق بین المللی* در سال ۱۹۸۲ در سازمان ملل متحد (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۸) و *قانون اساسی کشورمان* نیز به مشارکت در امر حکمرانی فراخوانده‌اند. در *مقدمه و اصول متعدد قانون اساسی* چون اصل ۳، ۶، ۷، ۸، ۲۴، ۲۶، ۲۷ و... بر هدف حکومت که «رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی» و «شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان» است، تأکید شده و تحقق این هدف «جز با مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه» میسر دانسته نشده است (مقدمه و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). در سیاست‌های کلی نظام در بخش مشارکت اجتماعی نیز به توسعه الگوهای عملی مشارکت اجتماعی و نهادینه‌سازی آن در همه عرصه‌ها اشاره شده است (سیاست‌های کلی نظام در بخش مشارکت‌های اجتماعی، مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۸). در قوانین موضوعه چون *قانون آیین دادرسی کیفری*، *قانون مجازات اسلامی*، *قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر* و... نیز تأکیدهایی بر مشارکت عامه در امر حکمرانی وجود دارد.

تجارب متعددی هم از توفیقات شکل‌های اجتماعی در سطح جهان وجود دارد که هرچند توفیقات و شکست‌های دیگر کشورها در این ارتباط می‌تواند درس‌آموز باشد (رز، ۱۳۹۰، ص ۱۱)؛ اما این درس‌آموزی با تقلید طوطی‌وار و تحمیل بار زودهنگام بر بدن نحیف حکمرانی میسر نخواهد بود (اندروز و همکاران، ۱۳۹۹). در کشور فرانسه در عین حال که در طول سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی نوعی دولت‌گرایی حاکم بوده است، آزادی فعالیت انواع شکل‌های مردم‌نهاد در دو قالب انجمن و بنیاد، در قانون سال ۱۹۰۱ تضمین شد (غفاری و همکاران، ۱۴۰۰). قانون فرانسه در نسبت چهار مقوله ماهیت (تعریف دقیق جهت ممانعت از فعالیت‌های انتفاعی)، متولی (واحد مستقر در دولت و قوه قضاییه)، حقوق و تکالیف (تعیین دقیق حقوق و تکالیف) و نظارت (دولتی و مردمی با سامانه‌های برخط) حدود شکل‌ها را به‌روشنی معلوم کرده است (همان).

۲. تشکل‌های اجتماعی در آینه تنزیل

از بررسی آیات مرتبط به هدف قرآن -بالغ بر ۱۳۴ آیه- به دست خواهد آمد که ۵۱ بار از اهداف قرآن در مرحله اول دعوت یاد شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۸). از مقوله‌بندی مفاهیم مندرج در آیات فوق در خواهیم یافت که مرحله اول دعوت عموم برای شروع تحول، به تمهید شرایط همراه‌سازی و همین‌طور مشارکت‌خواهی از مخاطبان برای تحول اختصاص دارد که در آن هم باید فاعل تحول یعنی شخص پیامبر اعظم ﷺ، از جهت ذهنی، قلبی و زبانی مهیای تحول شود و هم مبدأ قابل‌ی یعنی عموم مردم در بستری که تفکرخیز، تدبرآفرین، تقوایپه و عمل‌زاست با اتکا به ظرفیت‌های نهادی از جمله ساده‌سازی زبان، پیوسته‌سازی پیام و ابزارسازی جهت‌انذار و تبشیر، بهره‌مند از پیام ذکر، هشدار، هدایت، رحمت، بشارت، موعظه و سایر محتواهای عالی باشند؛ لذا مرحله اول دعوت به نظر می‌رسد نسبتی اعدادی با مشارکت تشکل‌های اجتماعی در امر حکمرانی با بسترسازی و زمینه‌پردازی برای تحول دارد. حال اگر نسبت این مرحله از دعوت با مشارکت -خواهی از عامه برقرار است، به طریق اولی سایر مراحل دعوت نیز می‌تواند محمل مشارکت عامه در امر عمومی باشد.

چهار مقوله به‌دست‌آمده از آیات هدف قرآن مرتبط به مرحله اول دعوت، امکان توضیح برخی مسائل تشکل‌های اجتماعی از جمله «ماهیت»، «متولی»، «حقوق و تکالیف» و «نظارت» را فراهم می‌کند؛ توضیح آنکه محتوای تحول تعیین‌کننده ماهیت تشکل‌ها، فاعل تحول به مثابه متولی تشکل‌ها، زمینه‌سازی تحول به عنوان حقوق و تکالیف تشکل‌ها و نهادسازی برای تحول نیز جهت نظارت بر تشکل‌ها تعیین و ایضاح خواهند شد.

جدول ۴: مقوله‌بندی مفاهیم مندرج در آیات هدف قرآن در مرحله اول دعوت

محتوای‌سازی برای تحول	نهاد (ابزار)‌سازی برای تحول	زمینه‌سازی برای تحول	فاعل تحول	مرحله اول
ذکر برای جهانیان (قلم: ۵۲)	ابزار تذکر به افراد ترسنده از تهدیدها (ق: ۴۵)	زمینه‌سازی تدبر کافران و تذکر صاحبان خرد (ص: ۲۹)	توانا کردن [پیامبر] برای هشدار قومی گرفتار غفلت دیرینه (یس: ۵-۶)	

تثبیت قلب پیامبر و پاسخ به شبهات کافران و وسیله مجاهدت علیه آنها (فرقان: ۳۱ و ۵۲)	زمینه‌ساز بازگشت مشرکان از مسیر اشتباه (اعراف: ۱۷۴)	آسان‌سازی قرآن جهت تذکر (قمر: ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰)	هشداردهنده بشر (مدثر: ۳۵-۳۷)
توانا کردن پیامبر برای هشدار دیگران با زبانی فصیح و رسا (شعراء: ۱۹۲-۱۹۵)	زمینه‌سازی شکوفایی تفکر مشرکان تکذیب‌گر (اعراف: ۱۷۶)	ابزار پیامبر برای انذار مردم و تذکر به مؤمنان (اعراف: ۲)	هدایت و رحمت برای قوم ایمان‌ورز (اعراف: ۵۲)
تثبیت قلب پیامبر و موعظه و تذکر مؤمنان (هود: ۱۲۰)	زمینه‌سازی باتقوا شدن مردم و هشدار به قوم لجوج (طه: ۱۱۳)	ابزار پیامبر برای هشدار زنده‌دلان و اتمام حجت با کافران (یس: ۶۹-۷۰)	بصیرت‌افزایی عموم مشرکان و هدایت و رحمت برای قوم ایمان‌ورز (اعراف: ۲۰۳)
	ابزار پیامبر برای هشدار جهانیان در سایه قابلیت فرقانی قرآن (فرقان: ۱)	هدایت به رشد (جن: ۲)	
	ابزار پیامبر برای بشارت متقیان و هشدار به قوم لجوج (مریم: ۹۷)	هدایت و بشارت مؤمنانی با سه ویژگی اقامه نماز، پرداخت زکات و یقین به آخرت (نمل: ۱-۳)	
	ارسال پیوسته قرآن جهت پندگرفتن مشرکان (قصص: ۵۱)	رفع اختلاف‌های بنی اسرائیل و هدایت و رحمت مؤمنان (نمل: ۷۶-۷۷)	
		بشارت مؤمنان به پاداش بزرگ و هشدار ناباوران رستاخیز به عذاب (اسراء: ۹-۱۰)	
		موعظه و شفای عموم مردم و هدایت و رحمت برای مؤمنان (یونس: ۵۷-۵۸)	
		هدایت و رحمت مؤمنان (یوسف: ۱۱۱)	

آیات هدف قرآن در مرحله اول دعوت، ابعاد مقولات چهارگانه (فاعل تحول، زمینه‌سازی برای تحول، نهادسازی برای تحول و محتواسازی برای تحول) و نسبت آنها با چهار مسئله (ماهیت، متولی، حقوق و تکالیف و نظارت بر تشکل‌های اجتماعی) را توضیح خواهند داد:

الف) ماهیت تشکل‌ها در راستای مضامین تحول

یکی از مسائل مهمی که کارکرد تشکل‌ها در ایران را با آسیب و گاه با اختلال مواجه کرده است، تعیین حدود و قیود حاکم بر ماهیت و تعریف تشکل‌هاست. مراد این پژوهش کشف وجه مقوم تشکل‌ها مبتنی بر منطق اسلامی است تا از آن رهگذر به توضیح ماهیتشان مبادرت شود.

۱) قیام به عهد الهی

قرآن کریم در آیات معتناهایی چون آیه ۲۴ و ۶۷ یونس، آیه ۴ رعد، آیه ۱۳ نحل و آیه ۹۸ انعام با منطقی غیر از منطق رایج بشر، اقوام را معرفی می‌کند: آیات فوق دلالت بر جمعی دارد که قائم به تفکر، استماع، تعقل، تذکر، تفقه و... هستند. آیه «هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۲۰۳) نیز به گروهی که قائم به ایمان به آیین و روش الهی‌اند، اشاره داشته و آنکه این ایمان را ارائه بصائر تقویت می‌کند؛ چراکه اگر ایمانشان تضعیف شود، آنها زمین‌گیر خواهند شد؛ به همین دلیل در اواسط آیه فرمود قرآن بینش‌افزایی‌ها و روشنگری‌هایی برای مشرکان و اهل شبهه دارد که قوت ایمان مؤمنان است؛ آن‌چنان‌که هر گونه تردید در حقانیت معارف الهی را از دل‌هایشان خواهد زدود و این هدایت و رحمت بر ایشان را می‌افزاید: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» (محمد: ۱۷). تشکل‌هایی که با منطق ایمانی، تفقهی، تذکری، تعقلی، استماعی، ایقانی، علمی، تشکری، تقوایی و تعبدی ایجاد می‌شوند، هرچه بر اساس مأموریت و فلسفه شکل‌گیری‌شان بیشتر حرکت کرده، عمیق می‌شوند، بیشتر هویت جمعی نیز خواهند یافت. این هویت جمعی بر عهد مشترکی مبتنی دارد؛ سوره اعراف به عهد الهی با انسان اشعار دارد؛ آن‌گاه که در قبال این عهد گروه اندکی تسلیم شده، دائماً متذکر عهدند و گروه کثیری نیز طغیان و کفر و سرپیچی می‌ورزند. طبیعی است مؤمنان که هویت جمعی‌شان وابسته به ایمان به عهد الهی است، نیازمند نوعی مراقبت جمعی از ایمانشان به عهد مشترک‌اند؛ لذا از یک سو باید به تذکر متقابل نسبت به یکدیگر اهتمام کنند و از سوی دیگر انذار به کفار.

۲) نوآوری در دعوت (تغییر موضوع و روش)

تشکل‌ها و اجتماعی‌ها که متقوم به ایمان، تقوا، تفکر، تعقل، استماع، شکر و در یک کلام عهد الهی با تعینات فوق‌اند، یک وجه عارضی نیز دارند که سطح اثرگذاری و عمق تحول‌آفرینی‌شان را دستخوش تغییرات اساسی می‌دهد و آن نوآوری در دعوت اجتماعی‌شان است. آیات ۳۵-۳۷ سوره مدثر، «إِنَّهٗٓ اِلَّا لَاحِدَى الْكُبْرَى * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ * لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ» بر علو معانی پیام‌های قرآن و خاصیت اندازی آنچه برای تابعان حق و چه منکران آن اشاره دارد؛ اما در آیات چهارگانه سوره قمر یعنی آیات ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰، «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» اساساً چون دعوت‌کنندگی شخص حضرت رسول ﷺ با سرکشی کفار در آیات قبل به چالش کشیده شده است، نقش ایشان به عنوان مذكر بودن حذف شده و خداوند مستقیماً منکران دعوت را مورد خطاب قرار داده تا از کرامت پیامبر دفاع کرده باشد. در این نوع مواجهه، کافران به مجرد مقاومت در قبال دعوت دینی از حساب دعوت کنار زده نشدند، بلکه موضوع و روش دعوت متفاوت شد (بهجت‌پور، ۱۳۹۹). تغییر موضوع (انذار از عذاب دنیوی) و روش (آسان‌سازی قرآن جهت پنددهندگی) دعوت، بصیرتی است که تشکل‌ها و اجتماعات مؤمنان نیز می‌توانند در فضای اجتماعی دنبال کنند که این مهم نیازمند به‌کارگیری خلاقیت و ابتکار موضوعی و روشی است. یکی از ابتکاراتی که در دعوت عمومی می‌توان به کار برد پیوستگی در ارائه پیام دین است، آن‌چنان‌که خداوند پیوستگی در عرضه پیام دینی را عامل متذکر شدن می‌داند: «وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (قصص: ۵۱).

ب) متولی تشکل‌ها و رهبران تحول

تعارض‌های پردامنه‌ای در کشور وجود دارد که متولی تشکل‌ها کدام نهاد است؛ چندتولی‌گری در حوزه مجوزدهی و نظارت بر تشکل‌ها تاحدودی سامان و شیرازه هویت و کارکرد آنها را از هم گسسته است. برخوردهای سلیقه‌ای و فقدان وحدت رویه، دشواری در بهره‌مندی از اطلس آمار و اطلاعات، موازی‌کاری در موضوع فعالیت تشکل‌ها و... از نتایج منفی چندتولی‌گری است. تعیین متولی واحد نیز سختی‌های خود را داراست؛ برخورداری از دانش اجتماعی، بهره‌مندی از بدنه کارشناسی، سیاسی‌نبودن، عدم تعارض منافع و... مشخصاتی است که یکجا باید در نهاد متولی جمع باشد (شیخی و عزت‌آبادی، ۱۴۰۰).

۱) دعوت علنی و مشارکت برای توسعه آن

خداوند در آیات مرحله اول از دعوت با اینکه دعوت عمومی است و بار اصلی آن بر دوش شخص رسول الله ﷺ است، گاه به صورت مستقیم و گاه غیر مستقیم حضور غیر از ایشان جهت کمک به دعوت عمومی را فرامی خواند. به باور برخی مفسران سوره مدثر اولین سوره بعد از مأمور شدن حضرت رسول ﷺ به دعوت علنی و از مصادیق «فَأَصْدَعُ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۹۴) است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۲۳)؛ لذا در دعوت علنی می توان متوقع مشارکت گروه های تابع پیام دعوت بود؛ همچنان که خداوند خطاب به شخص پیامبر، استقامت و عدم لغزش در دعوت را از ایشان و تابعینشان خواستار شده است: «فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود: ۱۱۲). این تبعیت از شخص رهبر اجتماعی به معنای خلع ید اجتماعات انسانی نیست، بلکه بدین معناست که تعیین جهت کلی، حدود و قواعد مداخله ای و تمهید شرایط مداخله تشکل ها در امر عمومی با رهبران اجتماعی است. این منطق هدایت و راهبری تشکل ها که نهادهایی کاملاً اجتماعی اند، با منطق مدیریتی نیز سازگار است (تفاوت مدیریت و رهبری)؛ یعنی به جای آنکه نهادهای کاملاً اجتماعی تحت نظر و بعضاً قیمومیت یک نهاد اداری در دولت باشند، تحت اشراف و هدایت یک نهاد اجتماعی قرار گیرد. حال که رهبری اجتماعی در تولی گری تشکل های اجتماعی نقش مهم دارد، خداوند به تثبیت قلب، بیان و بنان رهبر اجتماعی توجه کرده است.

۲) تثبیت قلب رهبر اجتماعی

خداوند به طرق مختلف قلب پیامبر ﷺ را تثبیت می کرد: گاهی مواجهه مستمر با آیات کتاب تکوین و تدوین، مایه قوت قلب پیامبر می شد: «وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَ رَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً * وَ لَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنَ تَفْسِيرًا» (فرقان: ۳۲-۳۳)؛ غیر از تدرج و پیوستگی نزول وحی، اصل ایحا و نزول توسط روح-الامین نیز مایه قوت قلب پیامبر ﷺ بود: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ» (شعراء: ۱۹۳-۱۹۴). گاهی نیز روایت داستان انبیا عامل تثبیت دل ایشان بود: «وَ كَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (هود: ۱۲۰).

۳) تقویت زبان رهبر اجتماعی

خداوند زبان پیامبر ﷺ را نیز به زبان عربی مبین تقویت کرد، «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (شعراء: ۱۹۳-۱۹۵) و حتی قرآن را بر زبان ایشان آسان ساخت تا در تبشیر و انذار موفق باشد، «فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا» (مریم: ۹۷) و اگر خداوند قرآن را به عربی مبین و شکل کنونی اش قرار نمی داد، هیچ امیدی نمی رفت که مردم آن را بفهمند و همچنان علی (بلند پایه) و حکیم (غیر قابل فهم و تعقل) می ماند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۶۱).

۴) تثبیت عمل رهبر اجتماعی

خداوند از موقعیتی پرده برمی دارد که مشرکان نزدیک بود پیامبر ﷺ را بلغزانند و از آنچه به ایشان وحی شده بود، منحرف کنند تا رویکردی خلاف آن و اعمالی متفاوت با آن انجام دهد و روش اختلاف طبقاتی را روشی خداپسندانه جلوه دهد؛ آن گونه که با راندن فقراتن به رفیق و نزدیکی به کفار دهد: «وَلَوْ لَا أَنْ تَبْتِنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا» (اسراء: ۷۴). اما خداوند با عصمتش ایشان را پایدار و استوار کرد و در نتیجه به آنان کمترین میلی نکرد، چه رسد به اینکه اجابتشان کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۳۸).

ج) حقوق و تکالیف تشکلها و زمینه سازی برای تحول

حق و تکلیف دو روی یک سکه اند. امر اصلاح اجتماعی خواه در زمینه سازی برای اصلاح یا حرکت فعال در میدان اصلاح گری، تکلیف جامعه ایمانی و اجتماعات برای عمل ایمانی است؛ در عین حال که بهره مندی از فضای پالوده از هر گونه پلشتی نیز حق آنهاست.

۱) زمینه سازی برای تفکر

یکی از حلقات مفقوده بشر در طول تاریخ، فقدان تفکر است و دعوت های مکرر قرآن نیز با ارائه و عرضه آیات کتاب تکوین (نحل: ۱۱) و تدوین (نحل: ۴۴) بر ضرورت تفکر البته پس از مواجهه با آیات الهی است. البته نیک می دانیم و آیات متعدد قرآن مجید نیز مؤید این پندار است که تفکر نیازمند زمینه سازی و بستری است و نمی توان و نباید متوقع تفکر بود فارغ از ایجاد زمینه هایی برای اندیشه ورزی. آیه «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهَا بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ

كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف: ۱۷۶). نکته نغزی در خود دارد و آن روایت‌گری و داستان‌سرایی برای وقایع تاریخی جهت ایجاد زمینه‌های اندیشه‌ورزی است و این زمینه‌سازی بی‌شک جز با مشارکت جمعی اهل ایمان میسر نخواهد بود.

۲) زمینه‌سازی برای تقوا و ذکر

«وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَ صَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا» (طه: ۱۱۳). خداوند با انزال قرآن به زبان عربی از یک سو و طرح هشدارها و بیم‌ها در آن، زمینه تقوا و تذکر را برای آدمی ایجاد می‌کند. علامه طباطبایی مراد از تقوا در این آیه فوق را پرهیز از عناد و لجاج با خدا دانسته که لازمه خوف و خشیت و احتمال ضرر است نه آن تقوایی که مترتب بر ایمان است؛ یعنی عمل به طاعات و اجتناب از سینات و همین‌طور مراد از احداث ذکر برای آنان را حصول تذکر در ایشان می‌داند. از رهگذر طرح وعید، ممکن است در دل آدمی احتمال خطری راه یابد و آن اینکه احتمال دهد که قرآن حق است و در دشمنی با حق خطر هست و این احتمال خطر او را از دشمنی با خدا بر حذر دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۹۹).

۳) موعظه، شفا، هدایت، رحمت و بشارت؛ الطاف الهی به جامعه ایمانی

در قبال تکالیفی که متوجه جامعه ایمانی است، ایشان برخوردار از آثار طیب و نیکوی تمسک به معارف قرآنی‌اند؛ از موعظه، شفای آنچه در سینه است، هدایت، رحمت و بشارت. ابتدا مؤمنان را با مواعظ حسنه از غفلت و حیرتی که آنها را فراگرفته و شک و ریب و همین‌طور رذایل خبیثه که قلبشان مبتلا شده، به سوی خیر و سعادت وادارشان می‌کند؛ سپس به پاکسازی باطن آنان از صفات خبیثه، آفات عقل و بیماری‌های دل مبادرت می‌کند. در مرحله سوم آنان را به سوی معارف حقه و اخلاق کریمه و اعمال صالحه با لطف و مهربانی دلالت و راهنمایی می‌کند، آن هم دلالتی با رعایت درجات و به شکل ایصال الی المطلوب و در مرحله چهارم جامعه رحمت بر آنان می‌پوشاند (همان، ج ۱۰، ص ۱۱۸-۱۱۹). اما بشارت، مرحله پس از هدایت و توجه رحمت به گروه مؤمن است: «فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا بِلِسَانِكَ لِيُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تَنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا (مریم: ۹۷). در سیر نزول، گروهی از مردم مکه تسلیم امر خدا شده و هشدارها را جدی گرفتند و شخصیتی متقی از خود نشان دادند؛ اینان در مدینه جامعه ایمانی را شکل داده و ابتدا با هدایت و رحمت خدا مواجه

شدند و سپس با انجام رفتار مطابق هدایت قرآنی و الهی زمینه خطاب‌های بشارت‌آمیز برایشان مهیا شد (بهجت‌پور، ۱۳۹۹).

د) نظارت بر تشکل‌ها و نهادسازی برای تحول

نظارت بر تشکل‌های اجتماعی، چه قبل از مجوزدهی و شروع به کار (نظارت پیشینی) و چه در حین انجام مأموریت‌ها (نظارت پسینی) توسط هم نهاد‌های اعطاکننده مجوز و هم نهاد‌های انتظامی و امنیتی صورت می‌پذیرد (شیخی و عزت‌آبادی، ۱۴۰۰)؛ اما نظارت اجتماعی یا عمومی بر تشکل‌های اجتماعی فاقد ساز کار و ابزار مناسب است و این در حالی است که مشروعیت و اتقان کارکرد تشکل‌های اجتماعی منوط بر اعتماد عمومی است و اگر اعتماد عمومی به جهت فقدان ظرفیت‌سازی برای نظارت عمومی آسیب ببیند، اصل وجود تشکل‌های اجتماعی تحت الشعاع قرار خواهد گرفت.

۱۶۳

۱) تدبر و تذکر جمعی برای فهم یکپارچگی مفاهیم قرآن

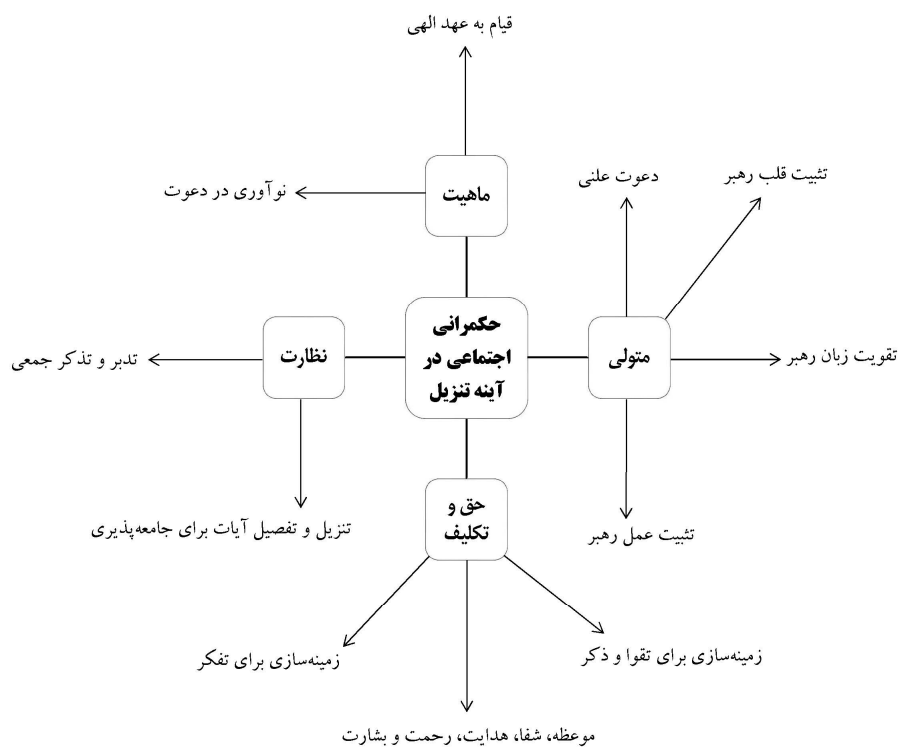
در آیه «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص: ۲۹) تعبیر انزال که به نزول دفعی اشعار دارد نه نزول تدریجی، برای این است که تدبر و تذکر مناسب دارد که قرآن کریم به طور مجموع اعتبار شود، نه تکه‌تکه و جدا جدا و مقابله بین جمله «لیدبروا» با جمله «و لیتذکر اولوا الالباب» این معنا را می‌فهماند که مراد از ضمیر جمع، عموم مردم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۰۰). عمق‌بینی، تذکار و یادآوری دو اصل مهم نظارت بر روابط درونی و میانی تشکل‌های اجتماعی است.

۲) جامعه‌پذیری جامعه ایمانی و بازگشت‌پذیری کفار با تنزیل و تفصیل آیات

اهل ایمان از تفصیلات تدریجی آیات، راه درست را شناخته و رحمت الهی را به دست می‌آورند؛ زیرا نزول تدریجی و تقطیع شده مطالب، زمینه‌های جامعه‌پذیری و درونی‌ساختن آنها را فراهم می‌کند و برای این جمعیت، هدایت همراه با رحمت را به ارمغان می‌آورد (بهجت‌پور، ۱۳۹۹) و نه تنها این جمعیت از هدایت و رحمت خداوند برخوردارند که عامل احیا و تقویت هویت جمعی خود بوده، بلکه قوام و قیامشان نیز به تذکار و یادآوری جایگاه و وظایفشان است، «وَ هَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ» (انعام: ۱۲۶)؛ اما کفار و مشرکان

نیز این گونه نیست که طرفی از تنزیل و تفصیل آیات نبرند، بلکه مقتضای اتمام حجت، استمرار در ارائه پیام حق است، خواه با تذکر آنچه بر اقوام پیشین آمد و خواه ترغیب به عاقبت اندیشی. در مقام اول یعنی مواجهه با جامعه ایمانی که اساس این مواجهه بر کنش‌گری فعال ایشان است و جامعه‌پذیری، خود مرهون نه انفعال قابل که مواجهه فعالانه با تفصیل و تدریج در نزول آیات است. در قبال کفار نیز مطلقاً نمی‌توان مسئولیت اجتماعی جامعه ایمانی برای استمرار در عرضه پیام حق را کتمان کرد یا نادیده انگاشت؛ لذا جامعه ایمانی در نسبت خود و البته غیر خود نوعی نظارت و مسئولیت فعال دارد.

از مقولات، ابعاد و مؤلفه‌های ایضاح‌شده در بالا مدل ذیل به عنوان ابعاد مشارکت تشکلی‌های اجتماعی در امر حکمرانی قابل ارائه است:



شکل ۳: ابعاد مشارکت تشکلی‌های اجتماعی در امر حکمرانی مبتنی بر روش تفسیر تنزیلی

نتیجه

در ادبیات و نظم و استقالیایی در نسبت میان دولت و ملت (Nation - State) از سه بخش اصلی یاد می‌شود: بخش دولتی (Governmental Sector)، بخش خصوصی (Private Sector) و بخش عمومی (Public Sector). تجلی‌گاه بخش دولتی، دولت، بخش خصوصی، بازار و بخش عمومی جامعه مدنی است و جامعه مدنی در قالب تشکلهای اجتماعی اعم از سازمان‌های غیر دولتی (Non-Governmental Organization)، سازمان‌های اجتماع‌محور (Community Based Organization)، سازمان‌های غیرسودمحور (Non-Profit Organization) و... عینیت می‌یابد (واکری و یوهانسون، ۲۰۲۱، ص ۳۹). این تفکیک اگرچه مقاصد، ابزارها، قواعد، نهادها و مبادی هر یک از بخش‌ها را تا حدودی مشخص می‌کند، مغایر با واقعیتی است که در فضای حکمرانی اتفاق می‌افتد؛ مثلاً ناظر به امر آموزش یا حفظ محیط زیست، به‌سختی می‌توان اقدامات سازمان‌های دولتی را از مشارکت بخش خصوصی یا عمومی جدا کرد، بلکه ترکیبی از اجزای به‌ظاهر دوگانه و متفرق صورت گرفته است، مانند سیاست و اداره یا بازار و سلسله‌مراتب. نتیجه این ترکیب در شرایط واقعی، نادیده‌انگاری نارسایی‌های دولت و بازار از یک سو و حاشیه‌ای شدن بخش سوم یعنی بخش عمومی در نسبت محورهای اصلی جامعه یعنی دولت و بازار از سوی دیگر خواهد بود. توضیح آنکه این وضعیت، جامعه مدنی را تبدیل به ابزاری در دست اقتدار دولتی در راستای تعقیب منافع شخصی و نظم بازاری در جهت تحقق اهداف نهادهای بین‌المللی و در هر دو حال در مقابل ارزش‌های عمومی می‌کند (غفاری و همکاران، ۱۴۰۰) و این عارضه ضرورت پژوهش درباره بخش سوم جهت بازشناسی ظرفیت‌های مغفول آن و بازآرایی میدان حکمرانی متکی بر این ظرفیت‌ها را بیش از پیش ایجاب می‌کند. در این پژوهش با اتکا به غنای مفهومی، تأکیدهای قانونی و تجارب موفق کشورهای مشخص شد که مطلوبیت تشکلهای اجتماعی قابل تصدیق است؛ اما موانعی وجود دارد که در مدار عمل، آنچه از کارکرد مطلوب تشکلهای متوقع ایم، متحقق نمی‌شود. ضمناً توجه به مختصات زمینی و زمینه‌ای کشور نیز نوع نگاه به تشکلهای اجتماعی را متأثر خواهد کرد. به همین منظور و با هدف پرداختن به آسیب‌های تشکلهای اجتماعی به آیات مرحله اول دعوت مسلمانان عصر نزول رجوع کرده و ملاحظات و دلالت‌های اطوار تحولی مخاطبان دعوت را مبتنی بر روش تفسیر تنزیلی مرور کرده‌ایم؛ مبتنی بر آیات هدف قرآن در مرحله اول دعوت، تشکلهای اجتماعی در چهار مقوله باید بازیابی هویتی -

مأموریتی شوند: اولاً باید حدود ماهیتی تشکل‌ها مشخص شود؛ به این معنا که هویت تشکل‌های اجتماعی بر مدار قیام به عهد الهی بوده و بقای آن به نوآوری در مضامین و روش‌های اقدام تحصیل شود؛ ثانیاً متولی و رهبر تشکل‌های اجتماعی باید در قلب، زبان و عمل تثبیت شده و در دعوت علنی همه ظرفیت‌های عامه را به صورت متشکل در فرایند تحول اجتماعی فراخوان کند؛ ثالثاً تکالیف تشکل‌های اجتماعی در قالب زمینه‌سازی برای تفکر از یک سو و بسترسازی در راستای تقوا و ذکر از سوی دیگر معین شود و حقوق آنها از جمله موعظه، شفا، هدایت، رحمت و بشارت در قالب فرم اجتماعی صورت‌بندی شود و رابعاً نهادها و ابزارهایی چون تدبیر و تذکر جمعی و تفصیل آیات برای جامعه‌پذیری جهت نظارت بر تشکل‌های اجتماعی وضع شده، در مدار عمل و اقدام قرار گیرد.

منابع

- * قرآن مجید.
۱. امین، سید محسن؛ «تعریف و پیشینه جامعه مدنی»، کیهان اندیشه؛ ش ۷۶، ۱۳۷۶، ص ۴۷-۶۱.
 ۲. اندروز، مت، لنت پریجت و مایکل ولکاک؛ توسعه به مثابه توانمندسازی حکومت؛ شواهد، تحلیل و عمل؛ ترجمه جعفر خیرخواهان و مسعود درودی؛ تهران: نشر روزنه، ۱۳۹۹.
 ۳. بهجت پور، عبدالکریم؛ تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول): مبانی، اصول، قواعد و فواید؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
 ۴. —؛ «نقش تفسیر تنزیلی در پیشرفت» قیاسات؛ دوره ۲۳، شماره ۹۰، ۱۳۹۷.
 ۵. —؛ «روش ایجاد تحول فرهنگی-اجتماعی با الهام از اهداف قرآن در سیر نزول»، فلسفه دین؛ دوره ۱۷، ش ۳، ۱۳۹۹.
 ۶. بهجت پور، عبدالکریم و مجید چهری؛ «تحلیلی بر ساختار و آسیب شناسی جامعه نبوی»، حکومت اسلامی؛ ش ۲۱، ۳، ۱۳۹۵.
 ۷. توکلی، نجمه و همکاران؛ «نقش سازمان های مردم نهاد و تشکل های مردمی در بازآفرینی بافت های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله مهدیه واقع در ناحیه غرب شهرکرد)»، مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی؛ دوره ۱۲، ش ۴، ۱۳۹۶، ص ۸۹۵-۹۱۴.
 ۸. جوادی، مجتبی و سیدمجتبی امامی؛ «حکمرانی پژوهش: ماهیت، گستره و ابزارها»، مدیریت دولتی؛ دوره ۱۳، ش ۲، ۱۴۰۰، ص ۲۳۳-۲۷۶.
 ۹. رز، ریچارد؛ یادگیری در پرتو خط مشی های عمومی تطبیقی: راهنمای کاربردی؛ ترجمه حسن دانایی فرد و منصور خیرگو؛ تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۹۰.
 ۱۰. رستم نژاد، غلامحسین؛ «تعاونی ها در عصر تحولات ساختاری»، تعاون و کشاورزی؛ ش ۱۴۱، ۱۳۸۲.
 ۱۱. دانایی فرد، حسن و مرتضی جوانعلی آذر؛ «بررسی تطبیقی خردمایه وجود دولت از نگاه نظریه های غربی و منابع اسلامی»، دوفصلنامه مدیریت اسلامی؛ ش ۲۲، ۱، ۱۳۹۳، ص ۴۱-۷۴.

۱۲. دانایی فرد، حسن و مهدی الوانی؛ درآمدی بر نظریه‌های مدیریت دولتی؛ تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۳.
۱۳. سالارزهی، حبیب‌الله؛ «مدیریت ارزش عمومی: پارادایم نوین در مدیریت دولتی بر پایه ارزش‌های عمومی»، پژوهش‌های مدیریت عمومی؛ س ۱۳، ش ۴۷، بهار ۱۳۹۹.
۱۴. سعیدی، محدرضا؛ «مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در برنامه‌های میان‌مدت توسعه در ایران»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات؛ ش ۱۴، ۱۳۸۲، ص ۱۲۹-۱۵۰.
۱۵. سیاست‌های کلی نظام در بخش مشارکت اجتماعی، مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۸.
۱۶. شیخی، سینا و حسام عزت‌آبادی؛ ترسیم و آسیب‌شناسی وضع موجود تشکل‌های مردم-نهاد؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان؛ ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۸. عباسی، محمدرضا؛ «تعاون و مشارکت اقتصادی مردم و جامعه مدنی»، فرهنگ و تعاون؛ ش ۹، ۱۳۷۷.
۱۹. علیخانی، صادق، رضا اسلامی و صابر نیاورانی؛ «ظرفیت‌های قانون اساسی ایران در افزایش مشارکت شهروندان در پرتو راهبردهای حکمرانی خوب»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفی؛ ش ۴۰، ۱۳۹۸.
۲۰. غفاری، سونیا، میترا غفاری و سینا شیخی؛ مطالعه وضعیت تشکل‌های مردم‌نهاد در فرانسه؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰.
۲۱. غفوری، محمد؛ «تشکل‌های اجتماعی و جامعه چندگفتار»، پیک نور؛ ش ۱۷، ۱۳۸۶، ص ۱۹-۲۵.
۲۲. فرهادی، مرتضی و یاسر باقری؛ «همکاری و مشارکت»، در: غلامرضا غفاری و محمدرضا جوادی یگانه، مجموعه مقالات وضعیت اجتماعی کشور؛ تهران: نشر شورای اجتماعی کشور، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۵.
۲۳. فیوضات، ابراهیم و مهدی مهدوی؛ «دولت و تشکل‌های مردمی (با مروری بر دو تجربه تعاونی‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه)»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد؛ س ۳، ش ۲، ۱۳۸۶، ص ۸۳-۱۰۴.
۲۴. قیدرلو، کمیل و مریم جانقربان؛ چیستی اجتماعی بودگی؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۲۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۶. کاظمی، حجت؛ «از شکست بازار تا شکست دولت؛ مناقشه بازارگرایان و دولت‌گرایان در

- دوران مدرن»، دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری؛ ش ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۲۷. گنجلو، عاطفه و ساناز سعیدی مفرد؛ «نقش سازمانهای مردم‌نهاد و تشکل‌های محلی در توانمندسازی اجتماعی سکونتگاه‌های غیر رسمی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی؛ دوره ۳۴، ش ۴، ۱۳۹۸.
۲۸. محمدی، ابوذر و مهرداد نوابخش؛ «بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد با تأکید بر عوامل اجتماعی-فرهنگی (مطالعه موردی: دیدگاه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)»، مطالعات میان‌فرهنگی؛ ش ۸، ص ۷۱-۹۰.
۲۹. مردانی، مهوش؛ «جامعه مدنی»، تاریخ‌پژوهی؛ ش ۲۲-۲۳، ۱۳۸۴، ص ۸۹-۱۰۸.
۳۰. مقیمی، سید محمد و همکاران؛ «ارائه مدلی جامع از مشارکت خبرگان و تشکل‌های مردم‌نهاد در مدیریت عملکرد بخش عمومی»، مدیریت دولتی؛ دوره ۱۳، ش ۱، ۱۴۰۰، ص ۳-۲۸.
۳۱. نادری، نادر؛ «بررسی رابطه بین کارکردهای تشکل‌های مردم‌نهاد و مؤلفه‌های نوین توسعه پایدار (مورد مطالعه: تشکل‌های مردم‌نهاد استان کرمانشاه)»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران؛ ش ۱۱، ص ۳، ۱۳۹۸.
32. Blomgren Amsler, Lisa & Others; **The New Governance: Practices and processes for Stakeholder and Citizen Participation in the Work of Government**; Public Administration Review, 2005.
33. Bozeman, Barry; **Public Value Failure: When Efficient Markets May Not Do**, Public Administration Review; forthcoming version, 2000.
34. Xiao, yu & Watson, Maria; “Guidance on Conducting a Systematic Literature Review”, **Journal of Planning Education and Research**; 39 (1), 2017, pp.93-112.
35. Zainal Abiddin, Norhasni & Others; “Non-Governmental Organisations (NGOs) and Their Part towards Sustainable Community Development” **Sustainability journal is published semimonthly online by MDPI**; 14, 2022, 4386.